

دخترم معصومه

غلامعباس اکبری

www.ketab.ir



شیراز، ۱۴۰۰

سرشناسه: اکبری، غلامعباس، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور: دخترم معصومه / غلامعباس اکبری
مشخصات نشر: شیراز: پرتو رخسید، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک: 2 - 65 - 6182 - 622 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: اکبری، معصومه، ۱۳۶۷ - ۱۳۹۹.
موضوع: بیماران -- ایران -- خاطرات
موضوع: Patints - - Iran - - Diaries
رده بندی کنگره: R ۷۲۷
رده بندی دیویی: ۶۱۵ / ۵
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۵۴۰۶۴

www.ketab.ir



● دخترم معصومه
● غلامعباس اکبری

○ ویرایش: صدیقه یوسفی ○ صفحه‌آرایی: محمدکاظم کاظمی
○ طرح جلد: کتاب‌آرایان کتیبه
○ چاپ اول، ۱۴۰۰ ○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
○ قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان ○ ناشر: پرتو رخسید

شابک: ۲ - ۶۵ - ۶۱۸۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸
ISBN: 978 - 622 - 6182 - 65 - 2

فهرست

۹	سپاس‌گزاری
۱۳	مقدمه
۱۷	تولد
۱۹	بیماری
۲۳	معجزه یا امداد غیبی
۲۹	تحصیلات
۳۱	آثار هنری و خلاقیت
۳۱	۱. نقاشی
۳۱	۲. خاتم‌کاری
۳۱	۳. تیراندازی در سالن
۳۲	۴. خیاطی
۳۲	۵. آشپزی
۳۳	خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی
۳۳	۱. نظم و انضباط
۳۴	۲. فرائض دینی
۳۵	۳. عزت نفس و توکل به خدا
۳۵	۴. تمسک به قرآن و عترت
۳۶	۵. حجاب و عفاف

۳۷	۶. صله‌ی رُجم
۳۸	۷. ولایت‌مداری
۳۹	۸. عشق به شهدا
۴۰	۹. علاقمندی به کودکان و محبت به آن‌ها
۴۱	۱۰. ساخت کلیپ تولد
۴۱	۱۱. شادابی و امیدواری
۴۲	۱۲. رفاقت
۴۳	۱۳. مسافرت
۴۹	آخرین مهمانی
۵۱	وفات
۵۷	دل‌نوشته‌هایی برای معصومه
۵۷	فرشته پاک
۵۹	پنج‌شنبه‌های بی‌فراری
۶۱	سلام بر بهشت
۶۲	نامی چون گوی ناب
۶۳	در نگاه معصومانه
۶۶	حقیقت زندگی
۶۷	یک ستاره در آسمان
۷۱	پیام‌های تسلیت و پاسخ‌های آن

مقدمه

«از خدا پرسیدم: چطور می‌توان بهتر زندگی کرد؟ گفت: گذشته‌ات را بدون هیچ تأسفی بپذیر! با اعتماد، زمان حالت را بگذران و بدون ترس، برای آینده آماده شو! ایمان را نگهدار و ترس را گوشه‌ای بینداز! شک‌هایت را باور نکن و به باورهایت شک نکن!

زندگی شگفت‌انگیز است وقتی بدانید چطور زندگی کنید. مهم این نیست که قشنگ باشی؛ قشنگ این است که مهم باشی.

وقتی که دل از دنیا آمیخته درد است

وقتی که صداقت‌ها، آلوده به صد رنگ است

خود را به خدا بسپار، چون اوست که بی‌رنگ است

چون وادی عشق او دور از همه نیرنگ است

خود را به خدا بسپار، آن لحظه که تنهایی

آن لحظه که دل دارد از تو طلب یاری

خود را به خدا بسپار! همراه سراسر اوست

دیگر توجه می‌خواهی بهر طلب از دوست؟

خود را به خدا بسپار آن لحظه که گریانی

آن لحظه که از غم‌ها بی‌تابی و حیرانی

خود را به خدا بسپار، چون اوست نوازشگر

چون ناز تو می‌خواهد، او را از درون بنگر!

دخترم در اوج درگیری با بیماری از دوران طفولیت، لحظه‌ای خدا را فراموش نکرد و با تمسک به قرآن و اهل بیت در سخت‌ترین شرایط، عاشقانه و آگاهانه زیست و چگونه زندگی کردن را به ما آموخت. بعضی‌ها او را به عنوان فردی بیمار و ناتوان می‌شناختند و از توان‌مندی‌ها و وجود پاک و بی‌آلایشش بی‌خبر بودند. بنابراین وظیفه خودم دانستم که در کتاب «دخترم معصومه» نام و یادش را به عنوان الگوی یک انسان صبور و باایمان و بانویی عقیف، زنده نگه دارم.

در نشریه‌ای مطلبی در مورد حضرت زهرا^(س) می‌خواندم. یاد دخترم افتادم. ارادت زیادی به ائمه اطهار داشت و الگوی زندگی‌اش حضرت فاطمه^(س) بود. دوست دارم این کتاب را با نام بانوی دو عالم شروع کنم و نوشته آن نشریه را این جا بیاورم:

«روزی از کنار حسینیه بزرگ شهرمان می‌گذشتم. پرچم سیاهی توجه مرا به خود جلب کرد. جلورفتم. پرچمی مخملی و بزرگ دیدم که وسط آن نوشته بود: «فاطمه پاره تن من است.»^۱

مشغول خواندن نوشته روی پرچم بودم که صدایی از بلندگوی حسینیه به گوش رسید: ای خواهران! الگوی شما در همه امور، مادر مظلومه و شهیده، صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا^(س) باشد! آن بانوی فرخنده‌ای که وقتی شاه مردان، علی^(ع)، به خواستگاری‌اش آمد، مهریه‌اش را شفاعت گنه‌کاران شیعه قرار داد.

مادر ما آن شهیده‌ای است که افلاکیان در آرزوی خدمت‌گذاری‌اش بودند و چشم خاکیان به آستان کرامتش دوخته شده است. بانوی بال و پر شکسته‌ای که از درد و اندوه فراق پدر آب شد و جز شب‌جی از او باقی نماند. روزی زهرا^(س) به کنیزش فضه فرمود: دارم از دنیا می‌روم. عرب‌ها مرده خود

را روی تخته می‌گذارند و حجم بدن پیدا است. این مسأله مرا رنج می‌دهد. دوست ندارم حجم بدنم از زیر کفن مشخص باشد.

فصله طرحی از تابوت که در دیار خودشان مرسوم بود را ترسیم کرد. آن قدر دل رنجیده بانوی دو عالم به وجد آمد که غنچه لبخند برای اولین و آخرین بار بعد از شهادت پیامبر گرامی اسلام روی لبانش شکفته شد.

با حفظ حجاب و رعایت شؤونات اسلامی نگذاریم تنها تبسم ابدی حضرت مادر از صفحه هستی محو گردد. با عفت و پاکدامنی می‌توانیم پرچم دارش باشیم. به یاد سیلی و ضربتی که او را مظلومانه شهید کرد، با حجاب و عفاف باشیم. مظلومیت او را در سراسر دنیا فریاد بزنیم و به یاد داشته باشیم مادری که دنیای ما با حسادت و رشک، او را آزد و قلبش را شکست، مهربانی معصوم بود که با خشم و کینه او را زدند، جنینش را سقط، فرزندان را یتیم و همسرش را بی‌یاور کردند.

او را مظلومانه، مخفیانه و غریبانه به خاک سپردند. مهربان‌ترین بانوی بهشت را به آن دلیل گشتند که دوست داشت همه خدا را دوست داشته باشند و بندگی کنند.

ای مهربان‌ترین مادر! ای دختر رسول الله! ای ام ایها! تو که برای همه دوست داران مادری کردی و در راه حمایت از ولایت و ترسیم الگوی زندگی و دفاع از اسلام و قرآن در سن جوانی به خاطر دشمنی و کینه‌ورزی دشمنان دین و قرآن به شهادت رسیدی، دستان را بگیر و برای دختران این سرزمین دعا کن که پوشیده و محجبه باشند!

دوستت داریم مادر! تو گم شده‌ای ما و بهای امیدمان بوده و هستی. برای همیشه تاریخ در عزایت اشک می‌ریزم و دشمنان را لعن و نفرین می‌کنیم. از خدا می‌خواهیم ظهور فرزندان حضرت مهدی (عج) را برساند تا با آمدنش نور و شادی و آرامش را در پرتو بندگی خداوند بر سراسر جهان بگستراند.»